

ج‌ام‌دایلی

نگاه احمد میراحسان به سریال سوران و تمایزاتش

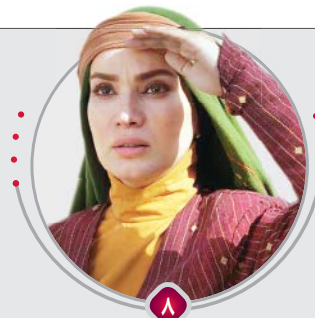
نمونه یک سریال شریف



رسانه

نگاهی به تبیین‌گری پند آموز ظرفیت‌های
فرهنگی در آثار تلویزیونی چین

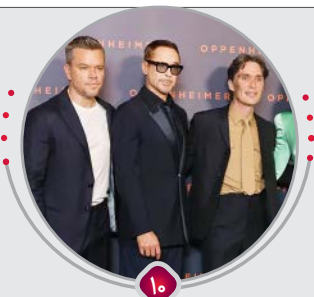
نسل‌بی‌مسئولیت
وطب چینی!



رسانه

پرونده «جام‌جم»
برای سریال تاریخی «مهیبار عیار»

حکایت عیاران و طراران
عهد صفوی



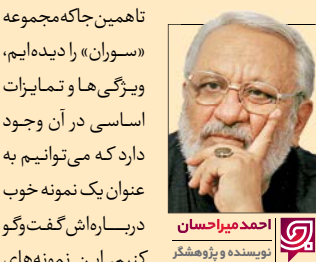
سینما

مروری بر اعتصاب انجمن
فیلمنامه‌نویسان و بازیگران در هالیوود

اقتدار صنفی به جای
بیانیه‌های سیاسی

نگاهی به سریال سوران و تمایزاتش

نمونه یک سریال شریف



احمد میراحسان
نویسنده و پژوهشگر

امیدبخش نظیر «آتش و باد» و چند سریال امنیتی و گاندو و دادستان و... در دو سه سال اخیر برای ایرانیان دوستدار انقلاب اسلامی که چشم امید به تداوم آن دارند، معنادار است. این معنا زمانی تقویت می‌شود که همراهی می‌کند با تحولات دوره اخیر و ساماندهی تازه و ترمز آقای جلیلی به عنوان یک انقلابی در شتاب برنامه‌ها و سریال‌های مدرن‌گرایی غرب‌زده و توجه به قصه‌هایی که در این ۴۰ سال بر ایران گذشت و افشاگر درجه و خشگیری ضد انقلاب داخلی و خارجی است؛ و البته در اینجا اصطلاحاً موضوع انقلابی و ناظر به زندگی واقعی ایران کافی نیست بلکه بیان سالم، درست و رها از ابتذال و کار سرسری مهم است و شکل معقول و آندیشیده، ارزش یک دارد.

هماهنگ با روح انقلاب

تغییر ساختار، تغییر چند رکن یک نهاد است؛ اول تفکر بنیانی آن است. در صداوسیما این تفکر به معنی تغییر ساختار تفکر پیرامونی به ساختار اسلامی/ انقلابی در برنامه‌سازی گوناگون است. مثلاً «محیا» یا برنامه‌های محرم و رمضان گذشته تحول مثبتی را برای هماهنگی با روح حاکم بر انقلاب، نشان می‌دادند. سوران جزو این دسته از کارهاست. البته صداوسیما در جمهوری اسلامی، سازمانی تحت هدایت نهاد رهبری بوده است اما این به معنای سلامت همه برنامه‌های آن نباید پنداشته شود. سوران کاری است که در متن آن مندرج و عیان است که محصول روابط ناسالم و بساز و بنداز نیست و جدا از روابط رانتخوارانه و باندی، نگرش‌های آویزان به تفکر غیرانقلابی و انفعال و دنباله‌روی از جریان‌های مقلد و پیرو الگوهای برنامه‌سازی غربی و حتی رفتارهای نامشروع اخلاقی و ترویج استفاده از جذابیت زنان و روابط غیراخلاقی یا بازی کردن با روان و اعصاب مردم و فضایی عصبی و یأس

سرگرمی‌های ضد فرهنگی

مردم و نسل‌های نو با آن نوع سریال‌ها شاید سرگرم می‌شدند اما سرگرمی پیچ یا موزیانه ضد فرهنگ؛ زیرا با آنها هیچ تصویری درباره حیات اسلامی و انقلابی، و آرمان‌ها و چشم‌به‌راهی ما و حرکت در مسیر ظهور عدل موعود جهانی در این جهان ظلمانی دریافت نمی‌کردند و سرمایه عظیم مردم بر باد می‌رفت. این خلأ تصویری، از ایران

و اخلاق، دارای مسئولیت معرفی مردم گوناگون و اقوام ایران و مسلمان منطقه و مردم جهان به همدیگر و گسترش دوستی و صلح در سطح ملی و منطقه‌ای و جهانی و دفاع از حق و کشتن ضد ظلم مستضعفان... اینها رویانیست مطالبه مؤمنان است و سریال هادر این مسیر نقش یک‌ه‌ای دارند.

مردم و مواجهه با نتایج تغییر

امید آن که در دوران حاضر، تغییر ساختار در همه سازمان صداوسیما جدی گرفته شود و در سریال‌سازی هم طرحی نو افکنده و به حکمروایی برداشت غیرانقلابی پایان داده شود. این امید ارجحند همه انقلابیون است و حساسیت نسبت به ادامه گذشته و فقدان تحول و کنش استراتژیک، حساسیتی خردمندانه است. تن ندادن به روزمرگی و این دلخوشی دنیاگرا که قدرت سیاسی از دست جناح لیبرال خارج شده و... ادامه همان رفتار و ناهنجاری‌ها واقعا تحمل ناپذیر باید شمرده شود. مردم باید نتایج تغییر را ببینند و به مردم باید درباره چهاراندیشی تشکیلاتی نو آگاهی داده شود و از تصمیم‌گیری‌های جدا از خرد و کار جمعی نهادینه و جمعی و سازمانی و از افتخار فروشی فردگرایانه و تفاخر مدیریتی بیاید روی بر تایم و هر کاری بنا به روال قانونمند و سازمان‌یافته در بهترین حالت باید به انجام برسد. نباید کیفیت هنری کار مبتذل شود، نباید حکمرانی دلیخواهی مدیران شایع شود، یک سریال مدام در نهادهای تخصصی و معتمد و امین باید روال شکل‌گیری‌اش را از سر بگیراند و وقتی به تصویب رسید سازندگان با آزادی بهترین قدرت خلاقه‌شان را برای اجرا به‌کار گیرند. نباید یک مهر انقلابی به پیشانی کار برنیزم و هرکسی که خطای ما را گوشزد کرد طرد کنیم و اثر مبتذل را به اسم اثر انقلابی معرفی کنیم.

ضد ابتذال

همه این ویژگی‌های ضد ابتذال، در سریال سوران با فروتنی لحاظ شده است. من درباره سوران می‌نویسم، چون سوران از نمونه‌هایی است که می‌تواند به الگو تبدیل شود و با الگوهای جعلی بسطیزد. منظوم تقلید روایی نیست، بلکه توجهات استراتژیک در خصوص سلامت محتوا و فرم بنا به نیازهای حیات امروزی ماست و آگاهی‌های ضروری که مردم به آن محتاجند. من فعلاً از منظر پاسخ به نیازهای انقلاب اسلامی یا زبانی شریف و واقع‌گرا دران غور و تمرکز می‌کنم و تا همین جا که دیده‌ایم مسلمان سنجایی آن مثال زدنی است.

برش

۱۳ نکته تحلیلی از تم و فرم سریال «سوران»

۱. سوران، یک سریال فعال در برابر تهاجم رسانه‌ای دشمن است و نه منفعل. جریان ضدانقلاب جهانی، صدسال است که روی مسائل قومی ایران برای تکه پاره کردن کشوری که باقوه امکان عظمت و رقابت دارد سرمایه‌گذاری کرده است و هر بار مثل گزگی تکه‌ای از شمال و جنوب و شرق و غرب ایران را کنده و به‌ویژه توطئه تجزیه‌طلبی پس از انقلاب رهایی‌بخش ایران صدچندان شده و در اغتشاشات اخیر به وضوح نقش اینان باهمه جنایات‌شان، تهاجمی بوده و رسانه ما در سریال‌سازی همواره منفعل بوده است. سوران در کنار سریال ملهم از زندگی خانم صباغ در دوره اخیر، نمونه‌های کنش‌مندی رسانه در افشا و حمله به جنایت‌کاری است که با شعارهای عوام‌فریب، به جای مجازات، جایزه می‌خواهند.

۲. ویژگی ساختی سوران، زبانی و واقع‌گرا است. وقتی از واقع‌گرایی می‌گوییم، نباید درکی سهل‌الوصول داشته باشیم. یک فرم رئالیستی نیازمند شناخت عمیق محیط زیست، روابط انسانی و فرهنگ و توبه و درونه زندگی محیطی است که روایت واقع‌گرایانه از آن ارائه می‌دهیم. وقتی بی‌سوادانه بدون تحقیق در زندگی مردم می‌نویسیم، البته لاطنالات می‌یابیم. واقع‌گرایی محصول خرد و پژوهش است و یک ظاهر فریبنده وادانیست.

۳. سادگی بیان، روایتی سر راست و درست و بلد بودن کار فیلمنامه‌سوران منجلی است. از فرط فقر مصالح روایت به این درون در نمی‌زند. خرده داستان‌های چرت‌و‌پربط و آب‌بندی موهن مرتکب نمی‌شود. اگر هم در ریتم کمی کند است، محصول تفکر و کاری بی‌مقدار و ناشر افق‌مندانه و خرشمردن تماشاگر نیست.

۴. روایت سالم‌پیش می‌رود و پیرنگ رادنیال می‌کند. البته مدت سریال کوتاه است و پس از یک هفته انتظار، شتابان زمان هر قسمت به پایان می‌رسد و مخاطب کمی سرخورده، تشنه، ناکام و عصبی به تیزتر از پایانی نگاه می‌کند.

۵. سوران بی‌رودریاییستی یک موضوع انقلابی و منطقه‌ای را موضوع داستان‌ش قرار داده و امیدوارم حق نگاه منطقه‌ای و توطئه جهانی را در آگاهی بخشی‌اش ادا کند. مردم ایران، عراق، ترکیه، سوریه، لبنان و... را به حقیقت استراتژیک گروه‌های ظاهراً انقلابی ابزار سیاست و مصاد و ماهیت‌شان آشنا می‌کند.

۶. سوران سرشار است از آداب و سنن قومی اصیل و روحیه می‌سازد و ایران را به مردم کرد، پیوند می‌دهد و آشنا می‌نماید. عشق در سوران متین و باحیا و نیز درآمیخته با عشق سرزمین مادری و عشق به مردم است. این عشق باحیاست و نمایش واقع‌گرایانه‌اش حرف‌های زیادی در دل دارد که باید درباره امتیازات دراماتیکش به‌ویژه در چالش با سنن کهنه سخن بگوییم.

۷. نقاب‌برافکنی از خبایات ضدانقلاب و فریبکاری کومله باورپذیر و کل زندگی در سریال سوران باورپذیر، ملموس و قابل قبول است. فضا سازی و حتی جغرافیای پایگاه‌شان معنادار است. به سراسیمه بردن زن اسیر به سگدانی دقت کنید!

۸. سوران مثل هر سریال واقع‌گرا ساخته شده و محصول نیروی تصویربرداری خلاق ذهن سازندگان در هر نماست اما تاریخ را به مضحکه اوهام به جای خیال متصل به واقع، بدل نمی‌کند به تاریخ احترام می‌نهد و آن را بزرگ، عبرت‌آموز، تجربه‌اندوزانه، حق‌خواهانه و عادلانه روایت می‌کند. با وفاداری به زندگی و حرمت رویدادها و بدون افسانه‌بافی گمراه‌کننده، رزحمت می‌کشد، پژوهش می‌کند؛ در اتاق نمی‌نشیند و از خود لاطنالات نمی‌یافت.

۹. سوران به ما شناخت مفید در تقابل با رویدادهای ضدانقلاب می‌دهد. یعنی در برابر و ناموده‌های رسانه‌های مهاجم نه حقه مرغابی بلکه سلاح شناختی علیه جعلیات‌شان عرضه می‌کند. یک نقاب و عنوان انقلابی فریبنده و پر از خطاهای جبران‌ناپذیر، مغلول و بیپوده به مانی دهد.

۱۰. این سریال برخلاف پاره‌ای سریال‌ها انسان‌ها همی و قهرمان بی‌ریشه، صوری و بی‌تاریخ نمی‌سازد. انسان واقعی در میزان و تراز انقلاب اسلامی و متن چالش‌های آن با پوست و گوشت می‌سازد. فرد مشخص دارای خصوصیت، دارای کم و کاست اما شریف، راستگو، خالص قابل اعتماد در متن زندگی، باهمه اشتباهات انقلابیون نظیر اعتماد بی‌وجه رستگار به جاسوس کومله و بدون هیچ تحقیق راه دادنش به درون قراگاه و...

۱۱. تصویری که سوران از حیات انسان، از زندگی اجتماعی، از مبارزه خیر و شر می‌سازد، تصویر ارجحند منطبق با واقعیات و حقیقت‌روشن دین حق و باطل، خوبی و بدی است.

۱۲. در سوران عدالت‌خواهی و هویت‌طلبی، امری مه‌آلود، جعلی، تردید انگیز و اسیر نیروهای غیرمردمی نیست. در دل تجربه زیسته مردم سر برمی‌آورد و با شدیدترین نور، ظلم و عدل را در برابر هم می‌نشانند. نمایش می‌دهد و تصویر روشنی از رخداد منتقل می‌کند. نه به وسیله شعار و زبان و نریشن بلکه با عمل و زندگی و تصویر و کشمکش عینی و داستانی.

۱۳. سوران دعوت به امرمدرن، آن‌هم چهره فریبنده شعارهای پوچش نیست، بلکه چهره این دعاوی را عریان می‌کند. پرچم سرخ عدالت و آزادی مدرن و انقلابیگری مدرن را عریان می‌کند و نشان می‌دهد از درونش لجن فوران می‌نماید.

۱۴. بدین‌سان تا همین جا باید بگوییم سوران روایتی شرافتمندانه از زندگی ماست. نمی‌گوییم شاهکار و بی‌نقص است. سریال ساده و سالم و در خور انقلاب اسلامی است که امیدوارم روز به روز بهتر شود و در تفکر و ساختار پس‌نشینند و تعادل‌ش را حفظ نمایند. در پایان معتقدم مقایسه تمایزات سوران و گیلدخت خیلی چیزها را روشن می‌نماید.